



فاجعه مرگ کارگران معدن زغال سنگ آزاد شهر، افشاگر چهره جنایتکار بورژوازی ایران!

روز چهارشنبه 13 اردیبهشت 1396 ، دقایقی بعد از ساعت 12 ، انفجاری در معدن زغال سنگ آزادشهر ، "زمستان یورت شمال غربی" واقع در استان گلستان رخ داد که به کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از کارگران شاغل در این معدن منجر شد.

به رغم گذشت دو روز از این حادثه ، هنوز تعداد واقعی کارگران کشته شده و مجروحان ، بطور رسمی روشن نشده است. اما علی ربیعی وزیر کار جمهوری اسلامی در مصاحبه ای مرگ 35 کارگر را تأیید کرده است. این آمار در شرایطی اعلام شده که هنوز از سرنوشت کارگرانی که در عمق معدن محبوس شده اند خبری نیست در حالی که قرائن نشان می دهند که ابعاد فاجعه از آن چه در رسانه ها به صورت قطره چکان منعکس می شود بزرگ تر و دردناک تر می باشد.

جدا از این که خود این فاجعه و مرگ تعداد زیادی کارگر رنج دیده قلب هر انسان شرافتمندی را به درد می آورد ، برخورد مسئولین دزد و جنایتکار جمهوری اسلامی با این حادثه - به رغم همه اشک تمساح هائی که می ریزند - درد این فاجعه را دو چندان می سازد.

اخبار تاکنون منتشر شده در رسانه های جمهوری اسلامی نشان می دهند که دلیل این انفجار جمع شدن حجم بالائی از گاز های قابل اشتعال و خطرناک به دلیل ضعف سیستم تهویه معدن بوده و ضعف این سیستم دقیقاً به دلیل آزمندی کارفرما و عدم صرف هزینه جهت ایمن سازی محیط کار بوده است. اما به رغم این واقعیت باز هم علی ربیعی وزیر کار جمهوری اسلامی به روال همیشگی این رژیم مدافع سرمایه داران، دلیل انفجار را "سهل انگاری" کارگران معدن و استفاده از روش "باتری به باتری" برای روشن کردن لوکوموتیو حمل زغال سنگ اعلام نمود. این وزیر مزدور با چنین ادعای وقیحانه ای کوشید تا دلیل اصلی فاجعه یعنی جمع شدن حجم بالائی از گاز در معدن و فقدان سیستم تهویه ای که قادر به تخلیه گاز های جمع شده باشد را لاپوشانی کند.

واقعیت هولناکی که امروز در جلوی چشم همگان جریان دارد این است که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، سرمایه داران، این انگل های اجتماعی برای کسب سودهای هر چه کلان از دسترنج کارگران چنان شرایط کاری دردناکی برای کارگران به وجود آورده اند که گوئی جان آن ها از هیچ ارزشی برخوردار نیست. این واقعیت در سخنان یکی از کارگران معدن آزادشهر عیان است. وی به دنبال فاجعه اخیر گفت: "بار ها عدم ایمنی محیط کار را به مسئولان تذکر دادیم، اما هر کسی اعتراضی می کرد از کار اخراج می شد". سخنان دیگر کارگران این معدن نیز نشان می دهند که کارفرما از عدم ایمنی محیط کار مطلع بوده و کاملاً بر این امر وقوف داشته است که هر آن ممکن است فاجعه ای برای کارگران معدن رخ دهد. کارگران گفتند که: "از روز گذشته بوی گاز در معدن استشمام می شد". آن ها همچنین شرایط تونل معدن را به این صورت توصیف کردند که: "به صورت یک طرفه و محوطه بسته است و وقتی انفجار صورت می گیرد همه موجودات زنده در تونل بر اثر گاز گرفتگی جان خود را از دست می دهند". همه این واقعیات بیان گر آن است که مسئولیت کارفرما و دولت پشتیبان وی در فاجعه مرگ کارگران غیر قابل لاپوشانی می باشد. به قول یکی از کارگران این معدن: "اگر معدن ایمنی داشت که اینطوری نمی شد." همین کارگر تأکید می کند که کارفرما به فکر جان او و بقیه کارگر ها نبوده و نیست.

بر اساس واقعیات فوق، تمامی شواهد موجود بیان گر آن هستند که صاحبان معدن زغال سنگ "زمستان یورت شمال غربی" نیز همچون بقیه سرمایه داران زالو صفت به جای صرف هزینه جهت ایمن سازی محیط کار ، با جان کارگران بازی کرده و موجب وقوع چنین جنایت هولناکی گشته اند. با استناد به آموزش های انگلس، آموزگار بزرگ طبقه کارگر، این یک "قتل عمد" است. قتل فاجعه باری که در جریان آن، قاتلین نه فقط مجازات نمی شوند بلکه تحت سلطه رژیم حامی شان به کسب و کار جنایت آمیز خود همچنان ادامه می دهند.

واقعیت این است که انفجار در معدن زغال سنگ در استان گلستان که به فاجعه ای دردناک بدل شد نه اولین سانحه حین کار است و نه آخرین آن خواهد بود. چرا که وقوع این گونه جنایات ذاتی نظام سرمایه داری حاکم بر جامعه ما می باشد و تا این نظام استثمارگرانه پابرجاست باز هم تکرار خواهد شد؛ به خصوص تا زمانی که رژیم های دیکتاتوری همانند جمهوری اسلامی بر سر کارند، آزمندی سرمایه دار ، باز هم جان کارگران بسیاری را خواهد گرفت.

امروز حتی سران جمهوری اسلامی با وقاحت همیشگی شان به ابراز همدردی با کارگران معدن ذغال سنگ آزاد شهر می پردازند. اما برای طرفداران کارگران شریف و زحمتکش ایران ، همدردی با جانباختگان معدن "زمستان یورت" باید با کوشش در تشدید مبارزه جهت نابودی سرمایه داری با همه رژیم های حامی اش توأم گردد. این راهی دشوار و خونین است. راهی که در فریاد کارگران معادن آستوری در اسپانیا منعکس شده: "بگذار خون ستمکاران ، چون رودخانه ای ، بر سنگفرش خیابان ها جاری گردد". کارگران جز با مبارزه ای قاطع و بی رحمانه با قاتلین خود و حکومت های دیکتاتور حامی شان ، نمی توانند به رهایی خود دست یابند.

نابود باد رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی!

چریکهای فدائی خلق ایران

14 اردیبهشت 1396